



## رویکرد آبی طالبان:

### تأثیر پروژه قوش تپه بر تعارض و همکاری منطقه‌ای

جواد خادم‌زاده<sup>۱</sup>

#### چکیده

باتوجه به کمبود منابع آبی، مدیریت رودخانه‌های مرزی می‌تواند هم منبع همکاری و هم بستر تنش میان کشورها باشد. در این میان کشورهای آسیای مرکزی به تغییرات در بهره‌برداری از آب‌های مشترک بسیار حساس‌اند. موقعیت جغرافیایی و اقلیمی افغانستان و جریان رودخانه‌های مشترک آن، اهمیت راهبردی و نقش کلیدی در تعاملات سیاسی، اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای ایجاد کرده است. بازگشت طالبان به قدرت چشم‌انداز هیدروپلیتیک منطقه را تغییر داده و پروژه‌هایی مانند کانال قوش تپه نگرانی کشورهای پایین دست را افزایش داده است. سوال اصلی تحقیق این است که چگونه سیاست‌های آبی طالبان تعادل هیدروپلیتیک منطقه را تحت تأثیر قرار داده و چه فرصت‌ها یا تهدیدهایی برای همکاری‌های آبی آینده ایجاد کرده است. فرضیه پژوهش بر این است که طالبان با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی افغانستان و عدم پابندی به رژیم‌های آبی الزام‌آور، سعی در افزایش اهرم‌های فشار و کسب منافع راهبردی از طریق پروژه‌هایی مانند کانال قوش تپه دارند.

#### واژگان کلیدی:

هیدروپلیتیک، آسیای مرکزی، طالبان، کانال قوش تپه، آب، رودخانه‌های مرزی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۱۸

<sup>۱</sup> دکترای علوم سیاسی با گرایش سیاست‌گذاری عمومی از دانشگاه آزاد واحد تهران و پژوهشگر

مسائل آسیای مرکزی. javad\_khademzadeh@yahoo.com

## مقدمه

آب‌های فرامرزی، همواره بستر تعاملات پیچیده‌ای میان کشورها بوده‌اند؛ تعاملاتی که در تقاطع منافع سیاسی، امنیتی و اقتصادی قرار دارند. در این میان، رودخانه‌هایی چون آمودریا که در افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی مانند تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان جریان می‌یابند، نقش مهمی در معادلات هیدروپلیتیک منطقه ایفا می‌کند.<sup>۱</sup> این رودخانه نه تنها منبع حیات میلیون‌ها نفر، بلکه نماد وابستگی متقابل و آسیب‌پذیری مشترک کشورهای این حوضه است. باین‌حال، کمبود شدید منابع آبی در آسیای مرکزی مدیریت این رودخانه‌ها را به یک بازی با مجموع صفر تبدیل کرده است: هر افزایش در برداشت آب توسط یک کشور، مستقیماً به کاهش سهم دیگران منجر می‌شود. در چنین شرایطی، نحوه بهره‌برداری از آمودریا می‌تواند به‌عنوان منبعی برای همکاری‌های منطقه‌ای یا بستری برای تشدید تنش و منازعه عمل کند. در این میان افغانستان، به‌عنوان کشوری که در بالادست حوضه آمودریا قرار دارد، از نظر جغرافیایی در موقعیت هژمونی بالادستی قرار دارد. باین‌حال، دهه‌ها جنگ، بی‌ثباتی سیاسی و کمبود زیرساخت، این کشور را از بهره‌برداری کامل از پتانسیل آبی خود محروم کرده بود.

بازگشت طالبان به قدرت در اوت ۲۰۲۱، فصل تازه‌ای در هیدروپلیتیک منطقه گشوده است. طالبان، با رویکردی ملی‌گرایانه، مستقل و فاقد تعهد به معاهدات پیشین، سیاست‌های آبی متفاوتی را دنبال می‌کنند. این رویکرد در احیای پروژه‌های متوقف‌شده مانند کانال قوش‌تپه (مارس ۲۰۲۲)، توسعه زیرساخت‌های کشاورزی، و بهره‌برداری یک‌جانبه از منابع آبی نمود یافته است. کانال قوش‌تپه — با هدف انحراف ۱۰ میلیارد متر مکعب آب برای آبیاری ۵۵۰,۰۰۰ هکتار زمین — به‌عنوان نماد استقلال غذایی و حاکمیت ملی تبلیغ می‌شود، اما بدون ارزیابی زیست‌محیطی مشترک<sup>۲</sup>، بدون هماهنگی با کمیسیون هماهنگی آب آسیای مرکزی<sup>۳</sup>، و بدون توجه به حقایق تاریخی پایین‌دست اجرا می‌شود. این رویکرد در احیای پروژه‌های متوقف‌شده مانند کانال قوش‌تپه، توسعه زیرساخت‌های کشاورزی، و

<sup>۱</sup> جریان متوسط سالانه رودخانه آمودریا در حدود ۷۸.۵ میلیارد مترمکعب است. این رودخانه که طولی معادل ۲۵۴۰ کیلومتر دارد، از کوه‌های پامیر و تیان‌شان سرچشمه می‌گیرد و از تاجیکستان، افغانستان، ازبکستان و ترکمنستان عبور کرده و به دریاچه آرال می‌ریزد (Salehie & ed, 2022, 4). البته در سال‌های اخیر میزان جریان آب بشدت کاهش یافته است. عواملی چون اقلیمی، انسانی و منطقه‌ای در کاهش ورودی آب تاثیر داشته‌اند.

<sup>۲</sup> Environmental Impact Assessment

<sup>۳</sup> Interstate Commission for Water Coordination

بهره‌برداری یک‌جانبه از منابع آبی، واکنش‌هایی از سوی کشورهای پایین‌دست برانگیخته است. پژوهش حاضر در پی آن است تا با تمرکز بر مفهوم هیدروپلیتیک تأثیر حکمرانی طالبان بر الگوهای همکاری یا منازعه آبی میان افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی را تحلیل کند. این مطالعه نه تنها به تحلیل وضعیت موجود می‌پردازد، بلکه راهکارهای عملی برای تبدیل تهدید به فرصت ارائه می‌دهد.

**پیشینه پژوهش.** گزارش راهبری امنیت و ناامنی آبی در افغانستان تحت حاکمیت طالبان<sup>۱</sup> که در سال ۲۰۲۳ منتشر شد. این گزارش، اولین گزارش تحلیل جامع پس از طالبان با داده‌های میدانی است. گزارش «ناامنی آبی در افغانستان طالبان» وضعیت آب شمال افغانستان را بررسی می‌کند؛ در این گزارش آمده است حوضه آمودریا منبع اصلی است که ۸۰٪ آن در بالادست تولید و ۹۰٪ در پایین‌دست (ازبکستان و ترکمنستان) مصرف می‌شود. طالبان پس از ۲۰۲۱ رویکرد یک‌جانبه اتخاذ کرده و کانال قوش تپه را احیا کرده‌اند. در این گزارش به ریسک‌های و فرصت‌های احداث کانال قوش تپه پرداخته شده است. ریسک‌ها شامل منازعه بین‌دولتی، رقابت قومی، مهاجرت و بی‌ثباتی است. فرصت‌ها در مذاکرات غیررسمی، کمک فنی و نظارت مشترک نهفته است. گزارش پیشنهاد می‌کند با ارتباط غیررسمی و سرمایه‌گذاری مشترک در کارایی آبیاری، تنش کاهش یابد. مدل‌های پیش‌بینی احتمال منازعه تا ۲۰۳۰ را نشان می‌دهند. دیپلماسی آب می‌تواند منازعه را به همکاری تبدیل کند. این گزارش اولین تحلیل جامع پس از بازگشت طالبان با داده‌های میدانی است.

مقاله تأثیر تحولات آبی افغانستان در حوزه آمودریا بر آسیای مرکزی<sup>۲</sup> توسط اساتید دانشگاه ازبکستان اسکندر عبدالله‌اف<sup>۳</sup> و شخبوز احمدف<sup>۴</sup> به رشته نگارش در آمده است. این گزارش تحلیل دقیق با داده‌های کمی و تمرکز بر دیدگاه ازبکستان در این عرصه است. نویسندگان این مقاله معتقدند کانال قوش تپه یک بازی جمع صفر در حوضه تحت‌فشار آمودریا است که مصرف افغانستان را سه برابر می‌کند و ریسک‌های اقتصادی/اجتماعی برای پایین‌دست ایجاد می‌نماید. تغییرات اقلیمی چالش را دوچندان می‌کند، اما با اقدامات چندمسیره (همکاری کشاورزی، تجارت، دیپلماسی)، می‌توان به مدیریت پایدار و منافع متقابل دست یافت.

1. Navigating Water (In)security in Taliban's Afghanistan

2. Impact of Afghanistan's Water Developments in Amu Darya Basin on Central Asia

3. Iskandar Abdullaev

4. Shakhboz Akhmedov

مقاله کانال قوش تپه و امنیت آب در آسیای مرکزی<sup>۱</sup> عنوان مقاله دیگری است که توسط جمعی از نویسندگان در سال ۲۰۲۴ به رشته تحریر درآمده است. کانال قوش تپه تا ۲۰۳۰ سهم افغانستان از آمودریا را از ۷٪ به ۲۴٪ افزایش می دهد و جریان ورودی به آسیای مرکزی را ۱۵-۱۸٪ کاهش می دهد. این تغییر، امنیت غذایی و اکولوژیکی منطقه را تهدید می کند. اما با نظارت مشترک، مدل سازی دقیق و بهبود کارایی آبیاری، می توان ریسک را مدیریت کرد. این مقاله به سیاست گذاران آمریکایی توصیه هایی برای دخالت در مسئله آب های مرزی در منطقه به خصوص مسئله کانال قوش تپه کرده بود.

مقاله کانال قوش تپه، منبع احتمالی تنش در آینده<sup>۲</sup> عنوان پژوهش دیگری است که در سال ۲۰۲۴ توسط امیت رانجان<sup>۳</sup> به نگارش در آمد. کانال قوش تپه با انحراف آب آمودریا، ریسک تنش ژئوپلیتیک، ناآرامی اجتماعی، بیابان زایی و اختلال اکوسیستم را ایجاد خواهد کرد. نویسنده این مقاله معتقد است گفتگوی منطقه ای، ارزیابی مشترک و ادغام افغانستان در توافق های آب، با دیپلماسی فراگیر، تنش را به همکاری پایدار بدل می کند.

مقاله پیوند غذا و آب و هوا در حوضه رودخانه شمال افغانستان: مطالعه موردی قوش تپه کانال ملی آبیاری<sup>۴</sup> در سال ۲۰۲۴ منتشر شد. این مطالعه موردی، با رویکرد ترکیبی، تأثیر کانال ملی آبیاری قوش تپه بر امنیت غذایی، معیشت محلی و بهره وری کشاورزی در حوضه رودخانه شمالی افغانستان را در شرایط تغییرات اقلیمی بررسی می کند. تمرکز بر مزایای اقتصادی برای افغانستان (مانند خودکفایی غذایی) و ریسک های هیدرولوژیکی برای کشورهای پایین دست آسیای مرکزی (مانند ازبکستان و ترکمنستان) است. استدلال کلیدی این مقاله این است که کانال حیاتی برای رشد اقتصادی افغانستان است، اما بدون همکاری منطقه ای، می تواند به تنش های آبی منجر شود.

مقالات فارسی که به طور خاص به روابط آسیای مرکزی و افغانستان در زمینه آب پرداخته باشند، محدود هستند، از سوی دیگر برخی مقالات نیز به قبل از روی کار آمدن دولت طلبان برمی گردد. دیپلماسی آب و اختلاف های آبی در منطقه آسیای مرکزی که در سال ۱۳۹۸ توسط سید علی محمودی، حامد حکمت آرا به رشته نگارش در آمد. این مقاله با استفاده از چارچوب نظری «واقع گرایی تدافعی» به بررسی اختلافات آبی در آسیای

<sup>۱</sup>. Afghanistan's Qoshtepa Canal and Water Security in Central Asia

<sup>۲</sup>. The Qosh Tepa Canal: Source of Possible Regional Tension

<sup>۳</sup>. Amit Ranjan

<sup>۴</sup>. Food-Climate Nexus in the North River Basin of Afghanistan: A Case Study of the Qosh Tepa National Irrigation Canal

مرکزی، به‌ویژه در حوضه رودخانه آمودریا، می‌پردازد. اگرچه مستقیماً به طالبان اشاره ندارد، اما به تحلیل تنش‌های آبی میان کشورهای منطقه (ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و افغانستان) می‌پردازد که می‌تواند برای فهم چالش‌های آبی طالبان با آسیای مرکزی مفید باشد. مقاله بر اهمیت همکاری منطقه‌ای و خطر اقدامات یک‌جانبه در بهره‌برداری از منابع آبی تأکید دارد. به طور خلاصه اکثر مقالات علمی فارسی پیش از تسلط طالبان در ۲۰۲۱ نوشته شده‌اند و به طور مستقیم به سیاست‌های آبی طالبان نمی‌پردازند. با توجه به تحولات اخیر (تسلط طالبان و پروژه قوش تپه)، نیاز به مقالات علمی جدید که به‌طور خاص به این موضوع بپردازند، احساس می‌شود؛ لذا در این پژوهش به‌دقت سعی شده است بر اساس قوانین مربوط به هیدروپلیتیک رودخانه‌های مشترک به منازعات آبی میان طالبان و کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه کانال قوش تپه پرداخته شود.

**روش پژوهش.** این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. گردآوری داده‌ها بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده و از منابع معتبر بین‌المللی، منطقه‌ای شامل گزارش‌های مؤسسات بین‌المللی، توافق‌نامه‌های آبی آسیای مرکزی، مقالات پژوهشی، و بیانیه‌های رسمی دولت‌ها بهره گرفته شده است. در این تحقیق، داده‌ها و مستندات مرتبط با پروژه کانال قوش تپه و تأثیر آن بر امنیت آبی، روابط منطقه‌ای و ژئوپلیتیک آب در آسیای مرکزی جمع‌آوری و تحلیل شده‌اند.

**چارچوب مفهومی و نظری.** هیدروپلیتیک<sup>۱</sup> در حوزه روابط بین‌الملل، محیط‌زیست، و سیاست منابع طبیعی، هیدروپلیتیک مفهومی چندبعدی است که توسط اندیشمندان مختلف با تعاریف متفاوت ارائه شده است: واتربری معتقد است هیدروپلیتیک مطالعه‌ای است بر سیاست توزیع و کنترل منابع آب در میان کشورهای که در حوضه‌های مشترک رودخانه‌ای قرار دارند. از دید واتربری، هیدروپلیتیک مطالعه روابط قدرت، دیپلماسی، منافع ملی و امنیت در بستر منابع آب مشترک است. آب نه صرفاً یک کالای زیست‌محیطی، بلکه ابزاری سیاسی در تعاملات بین‌المللی تلقی می‌شود. (Waterbury, 1979, 7) آرون تی. الهانس معتقد است "هیدروپلیتیک مطالعه‌ای است درباره چگونگی تأثیر منابع آب مشترک بر روابط سیاسی، تعاملات و تعارضات بین‌المللی میان کشورهایی است که در یک حوضه آبریز مشترک قرار دارند" (Elhance, 1999, 3). از نگاه تورنتون هیدروپلیتیک، مطالعه تعاملات پیچیده بین آب و سیاست است که در آن دسترسی، توزیع و کنترل منابع آب با

<sup>۱</sup>. Hydropolitics

امنیت ملی، سیاست خارجی، و ثبات منطقه‌ای در هم تنیده می‌شود (Turton, 2002, 13). زیتون و وارنر معتقد است هیدروپلیتیک تحلیلی است بر تعامل قدرت‌های نابرابر و سیاست‌های اعمال‌نمود میان کشورهای که منابع آب مشترک دارند؛ تعاملی که می‌تواند به شکل‌گیری سازوکارهای سلطه یا همکاری منجر شود (Zeitoun & Warner, 2006, 436). نائوکو میروماچی اما معتقد است "هیدروپلیتیک چارچوبی برای تحلیل روابط پیچیده میان کشورهای است که منابع آب مشترک دارند؛ روابطی که در تعامل میان دینامیک قدرت، ساختارهای نهادی، و فرایندهای سیاسی تعریف می‌شوند. همکاری و منازعه ممکن است هم‌زمان و به‌صورت متداخل در یک حوضه جریان داشته باشند (Mirumachi, 2015, 56).

نهایتاً می‌توان گفت که هیدروپلیتیک مطالعه روابط و تعاملات سیاسی، قدرتی و دیپلماتیک میان دولت‌ها، نهادها و سایر بازیگران پیرامون منابع آب شیرین، به‌ویژه منابع مشترک فرامرزی است. این حوزه بررسی می‌کند که چگونه آب به‌عنوان یک منبع استراتژیک می‌تواند موجب همکاری، رقابت یا درگیری در سطح محلی، ملی و بین‌المللی شود (Earle, Jagerskog & Ojendal 2010, 28). در تعریف فوق‌الذکر هم ماهیت سیاسی منابع آب را بیان شده است هم نقش قدرت، دیپلماسی، و حکمرانی را نشان می‌دهد و هم بر ابعاد بین‌المللی و چندسطحی آن تأکید گردیده است. هیدروپلیتیک الزاماً به معنی درگیری نیست. طیفی از همکاری کامل (معاهده‌های مؤثر) تا رقابت و حتی درگیری‌های مسلحانه.

#### تحلیل تطبیقی چارچوب‌های نظری در هیدروپلیتیک

| ردیف | نظریه/رویکرد | محور اصلی تحلیل                | نوع تعاملات   | بازیگران کلیدی               | مثال کاربردی  |
|------|--------------|--------------------------------|---------------|------------------------------|---|
| ۱    | واقع‌گرایی   | قدرت، منافع ملی، بقا           | تقابلی/رقابتی | دولت‌ها                      | پروژه GAP ترکیه و واکنش عراق و سوریه (Waltz 1979)           |
| ۲    | لیبرالیسم    | همکاری، نهادگرایی، بین‌وابستگی | همکاری جویانه | دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی  | توافق‌نامه آب سند بین هند و پاکستان (Keohane & Nye 1989)    |
| ۳    | هیدروهمزومنی | سلطه یک بازیگر قدرتمند         | پنهان/آشکار   | کشور همزوم، بازیگران ضعیف‌تر | سلطه مصر بر نیل؛ ترکیه در دجله فرات (Zeitoun & Warner 2006) |

|                |                                |                             |          |                             |                   |   |
|----------------|--------------------------------|-----------------------------|----------|-----------------------------|-------------------|---|
| Wolf (2007)    | رودخانه دانوب (اروپا)          | دولت‌ها، سازمان‌های حوضه‌ای | همکارانه | منابع مشترک، پیوندسازی      | صلح و همکاری آبی  | ۴ |
| Boelens (2014) | اعتراضات به سدسازی در آفریقا   | جوامع محلی، اقلیت‌ها        | انتقادی  | توزیع منصفانه، مشارکت مردمی | عدالت آبی         | ۵ |
| (Turton,2001)  | مسیر تحولات در نیل/اردن        | دولت‌ها و ساختارهای درگیر   | ترکیبی   | تحلیل روندی و فرآیندی       | چرخه هیدروپلیتیکی | ۶ |
| Allan (2007)   | کشمکش بر سر حقابه در خاورمیانه | نهاده‌ها + کنشگران انسانی   | پیچیده   | رابطه ساختار و عاملیت       | ساخت‌یابی         | ۷ |

منبع: تدوین نویسنده

از سوی دیگر در تعاریفی که از هیدروپلیتیک آمده است که به مطالعه سامان‌مند روابط دولت‌ها، بازیگران غیردولتی و سایر عناصر مانند نهادهای فرادولتی درباره بهره‌برداری انحصاری از آب‌های بین‌المللی آمده است بر چند اصل تأکید شده است: ۱. بررسی ارتباط دوسویه بازیگران دولتی و غیردولتی؛ ۲. تأکید بر بازیگران و نهادهای درون و بیرون کشورها؛ ۳. کوشش برای بهره‌برداری انحصاری از آب و؛ ۴. اعمال حاکمیت‌های گوناگون بر رودهایی که کارکردی ملی و بین‌المللی دارد. (مختاری، کویانی، ۱۳۹۸، ۱۹)

### ۱. اقلیم آب‌وهوایی حوزه آبریز آمودریا

اقلیم متنوع و ناهمگون حوضه آمودریا - با کوهستان‌های پر بارش و برفگیر در سرمنشاء و دشت‌های خشک و کم بارش در پایین دست - ساختار هیدرولوژیک و منابع آب آن را شکل می‌دهد. این ترکیب اقلیمی باعث می‌شود بخش بزرگی از آب رودخانه وابسته به ذوب برف و یخچال‌ها باشد؛ بنابراین هر تغییری در اقلیم، بارش یا یخچال‌ها می‌تواند تأثیر مستقیم بر میزان آب قابل دسترس برای کشورها و طرح‌های آبی منطقه داشته باشد. حوزه آبریز آمودریا به سه منطقه اصلی تقسیم می‌شود:

۱. مناطق کوهستانی بالادست (پامیر، هندوکش و تیان‌شان شمالی) با ارتفاع ۲۵۰۰ تا بیش از ۷۰۰۰ متر، بارش سالانه بین ۶۰۰ تا ۱۵۰۰ میلی‌متر (گاهی تا ۲۰۰۰ میلی‌متر در

فدچنکو و نقاط مرتفع پامیر) به صورت عمده برف است. دما در تابستان ۵ تا ۱۵ درجه و در زمستان تا منفی ۴۰ درجه سانتی‌گراد پایین می‌آید. (Zoï Environment Network, 2011:11 & Salehie et al, 2022:3)

۲. دامنه‌ها و دره‌های میان‌ارتفاع (۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ متر) دارای بارش سالانه ۳۰۰ تا ۶۰۰ میلی‌متر و رژیم دمایی معتدل تر هستند؛ تابستان‌ها ۲۵ تا ۳۵ درجه و زمستان‌ها معمولاً بین منفی ۱۰ تا منفی ۲۰ درجه سانتی‌گراد (Salehie et al. 2022:3)؛

۳. دشت‌ها و بیابان‌های پایین دست (از ارتفاع ۲۰۰ متر تا منفی ۲۸ متر در حوضه آرال سابق) بسیار خشک هستند. بارش سالانه در این مناطق کمتر از ۸۰ تا ۲۰۰ میلی‌متر (در بیابان قره‌قوم گاهی زیر ۸۰ میلی‌متر) است، دمای تابستان به‌طور معمول ۴۰ تا ۴۸ درجه و رکوردهای بالای ۵۰ درجه سانتی‌گراد در ترکمنستان ثبت شده، و تبخیر سالانه بالقوه بین ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ میلی‌متر می‌رسد (Zooï Environment Network, 2011:11; Salehie et al., 2022:3).

تأثیرات تغییرات اقلیمی. تغییرات اقلیمی منجر به کاهش منابع آب سطحی (از ۷۸ کیلومتر مکعب به حدود ۶۰ کیلومتر مکعب در سال)، عقب‌نشینی یخچال‌ها و افزایش خشکسالی‌ها (مانند سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۸) شده است. پیش‌بینی‌ها حاکی از کاهش بارش و افزایش دما در زمستان و بهار است که کشاورزی (۸۰ درصد زمین‌های آبیاری شده) و تولید انرژی برق‌آبی<sup>۱</sup> را تهدید می‌کند. نواحی پایین دست با خطر بالای موج‌های گرما، خشکسالی و طوفان‌های گردوغبار روبرو هستند، درحالی‌که بالادست با خطر رانش زمین و سیل ناشی از بارش‌های شدید مواجه است (Zoï Environment Network, 2018: 8-17). خلاصه اینکه توپوگرافی و اقلیم حوزه آمودریا شامل کوهستان‌های مرتفع و پربرف در بالادست و دشت‌های خشک و کم‌بارش در پایین دست باعث شده است که بخش عمده جریان رودخانه نه از بارش مستقیم در دشت‌ها، بلکه از ذوب برف‌ها و یخچال‌های کوهستانی تأمین شود. به همین دلیل، حوزه آمودریا به تغییرات اقلیمی، افزایش دما و کاهش پوشش برفی و یخچالی بسیار حساس است.

## ۲. پروژه قوش تپه و تاثیرات اقلیمی

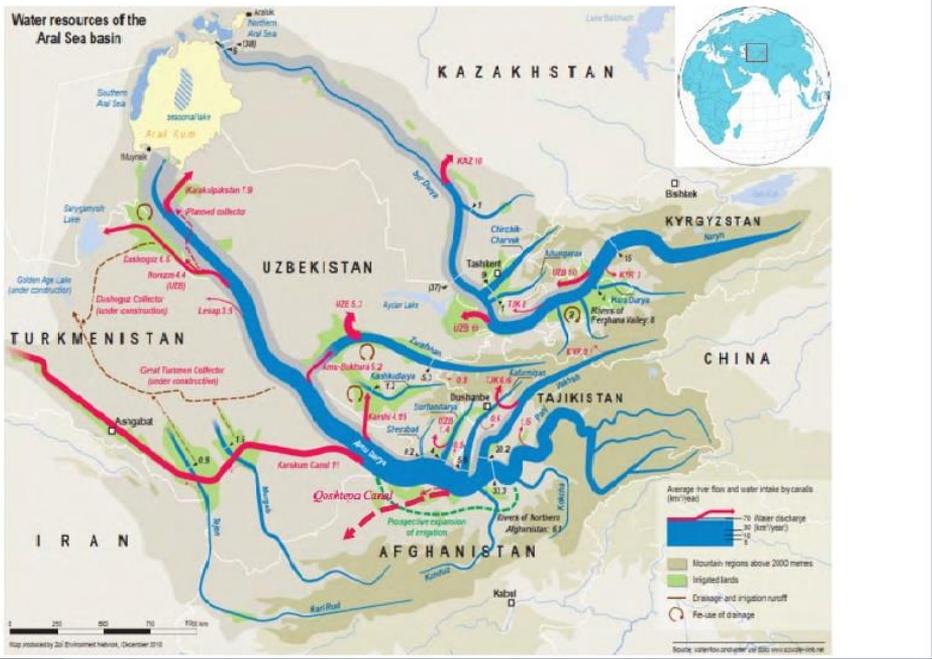
رودخانه جیحون یا آمودریا طولانی‌ترین و پرآب‌ترین رودخانه در منطقه آسیای مرکزی است که از کوه‌های پامیر سرچشمه می‌گیرد در مرزهای شمالی افغانستان با تاجیکستان، ازبکستان

<sup>۱</sup>. Hydroelectric

## رویکرد آبی طالبان: تأثیر پروژه قوش تپه بر تعارض و همکاری منطقه‌ای □ ۲۲۷

و ترکمنستان جاری است. هرچند مسیر اصلی رود به سوی دریاچه آرال است؛ اما تمامی آب آن در طول مسیر و با کانال‌کشی‌هایی که برای کشاورزی صورت گرفته به مصرف می‌رسد.

نقشه ۱. یک نقشه از رود آمودریا که نقطه آغاز کانال قوش تپه، کانال‌های عمده دوران شوروی در منطقه به‌ویژه کانال قره‌قوم و کانال‌هایی که در حال ساخت هستند را نشان می‌دهد.



منبع: Modified after UNEP et al. 2011, 15

بعد از روی کار آمدن حکومت طالبان در افغانستان، مقامات این حکومت تصمیم به احداث یک کانال آبی بزرگ برای انتقال بخش قابل توجهی از آب رودخانه جیحون به داخل افغانستان گرفتند تا بخش کشاورزی و صنایع غذایی را در کشورشان رونق دهند. پروژه قوش تپه یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های زیربنایی افغانستان است که در سال‌های اخیر توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. این پروژه که به‌عنوان یک کانال آبی برای انتقال آب از رودخانه آمودریا به مناطق شمالی کشور طراحی شده، نه تنها برای اقتصاد و کشاورزی افغانستان اهمیت دارد، بلکه به دلیل تأثیرات منطقه‌ای آن، به موضوعی بحث‌برانگیز در سطح بین‌المللی تبدیل شده است.

نقشه ۲. سه استان شمالی افغانستان که کانال قوش تپه آب آمودریا را برای کشاورزی آبی به زمین‌های منتقل خواهد کرد.

(استان‌های بلخ، جوزجان و فاریاب)



منبع: Kuchins et al, 2024, 13

**تاریخچه و پیشینه پروژه.** ایده ساخت کانال قوش تپه برای اولین بار در دهه ۱۹۷۰ (دهه ۱۳۵۰ شمسی) در دوران حکومت محمد داوود خان مطرح شد. در آن زمان، این پروژه با هدف آبیاری زمین‌های خشک و بیابانی شمال افغانستان طراحی شد، اما به دلیل جنگ‌های داخلی و ناامنی‌های طولانی‌مدت، اجرای آن به تعویق افتاد. در سال ۲۰۱۸، شرکت آمریکایی AECOM با حمایت مالی اداره توسعه بین‌المللی آمریکا<sup>۱</sup> به مبلغ ۳.۶ میلیون دلار، مطالعات جدیدی برای این پروژه انجام داد. با این حال، تا سقوط دولت اشرف غنی در سال ۲۰۲۱، تنها ۷ کیلومتر از کانال ساخته شده بود. پس از روی کار آمدن دولت طالبان، این پروژه در مارس ۲۰۲۲ (فروردین ۱۴۰۱) به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی اقتصادی این دولت آغاز شد.

**مشخصات فنی پروژه.** کانال قوش تپه دارای مشخصات فنی قابل توجهی است که آن را به یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های آبی منطقه تبدیل کرده است. طول آن ۲۸۵ کیلومتر، عرض

<sup>۱</sup>. USAID

آن ۱۵۲ متر، عمق بین ۸.۵ تا ۱۲.۵ متر، منبع آب آن رودخانه آمودریا که در مرز افغانستان با تاجیکستان و ازبکستان قرار دارد و نهایتاً هدف آن انتقال ۱۰ تا ۲۰ درصد از آب آمودریا برای آبیاری بیش از ۵۵۰ هزار هکتار زمین بیابانی در ولایت‌های بلخ، جوزجان، و فاریاب است. این کانال از ولسوالی کلدار ولایت بلخ شروع شده و با عبور از جوزجان، در ولسوالی اندخوی ولایت فاریاب پایان می‌یابد.

**وضعیت فعلی و پیشرفت پروژه.** پروژه قوش تپه به دو فاز اصلی تقسیم شده است: فاز اول. این فاز به طول ۱۰۸ کیلومتر در اکتبر ۲۰۲۳ (مهر ۱۴۰۲) تکمیل شد. گزارش‌ها نشان می‌دهد که در این مرحله، بیش از ۱۰۰ کیلومتر از کانال تا فوریه ۲۰۲۳ حفاری شده بود؛ فاز دوم. فاز دوم بلافاصله پس از تکمیل فاز اول آغاز شد. بر اساس گزارش‌های ماه مه ۲۰۲۵، حفاری فاز دوم به ۹۰ درصد پیشرفت رسیده است، و ساخت ساختار ورودی کانال نیز تا این تاریخ به ۸۰ درصد رسیده است. پیش‌بینی می‌شود که فاز دوم تا پایان سال ۲۰۲۵ یا اوایل ۲۰۲۶ به پایان برسد.

**بررسی جنبه‌های حقوقی کانل قوش تپه.** تخصیص کنونی آب از حوزه رودخانه آمودریا برای مصارف کشاورزی، میراثی از پروتکل شماره ۵۶۶ اتحاد جماهیر شوروی است که در ۳ دسامبر ۱۹۸۷ تصویب شد. این سند که توسط وزارت احیای اراضی و مدیریت منابع آبی شوروی تنظیم گردید، حداکثر میزان برداشت سالانه از رود آمودریا را برای چهار کشور آسیای مرکزی امضاکننده — قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان — برابر با ۶۱/۵ میلیارد مترمکعب تعیین کرد. در این محاسبه، فرض بر این بود که افغانستان — سالانه ۲/۱ میلیارد مترمکعب از آب آمودریا برداشت می‌کند. افغانستان که در حال حاضر حدود ۲/۵ میلیارد مترمکعب از رود آمودریا برداشت می‌کند، طرف قرارداد پروتکل ۵۶۶ نبود. مسکو افغانستان را در این توافق‌نامه وارد نکرد، زیرا در زمان رسمی شدن این توافق، آن کشور درگیر جنگ بود (Kuchins et al, 2024, 27).

## جدول ۱. میزان برداشت سالانه از رود آمودریا

| مقصد      | محدودیت<br>(میلیارد متر مکعب) | سهم از کل مصرف |
|-----------|-------------------------------|----------------|
| ازبکستان  | ۲۹.۶                          | ۴۸.۲           |
| ترکمنستان | ۲۲.۰                          | ۳۵.۸           |
| تاجیکستان | ۹.۵                           | ۱۵.۴           |
| قرقیزستان | ۰.۴                           | ۰.۶            |
| مجموع     | ۶۱.۵                          | ۱۰۰            |

منبع: Kuchins et al,2024,27

در سال ۱۹۹۲، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و کسب استقلال کشورهای آسیای مرکزی، توافق نامه جدیدی توسط کشورهای حوزه دریای آرال به امضا رسید: توافق نامه همکاری در مدیریت، بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب بین‌المللی که به توافق نامه آلماتی<sup>۱</sup> معروف است. این توافق نامه امضاکنندگان را ملزم می‌کند که به اصول تخصیص آب تعیین شده در دوران شوروی پایبند باشند، اطلاعات را تبادل کنند و در پژوهش‌های مشترک همکاری کنند. توافق نامه آلماتی، کمیسیون بین‌دولتی هماهنگی آب را ایجاد کرد که مسئولیت مدیریت تخصیص بین‌دولتی منابع آب رودهای آمودریا و سیردریا را بر عهده دارد. همچنین بیانیه نوکوس که در کنفرانسی با حضور رؤسای دولت‌های آسیای مرکزی در سال ۱۹۹۵ تصویب شد، تأکید می‌کند که کشورهای آسیای مرکزی توافق نامه‌های پیشین مدیریت آب را به رسمیت می‌شناسند و متعهد به ادامه اجرای آن هستند. این توافقات نیز افغانستان را از مذاکرات مستثنی کرده‌اند؛ زیرا کابل طرف قرارداد نیست و هیچ الزامی برای رعایت آن‌ها ندارد<sup>۲</sup> (Kuchins et al,2024,28). بیانیه نوکوس<sup>۳</sup> اساساً تلاش کشورهای آسیای مرکزی برای حفظ توافقات موجود مدیریت آب و همکاری میان‌دولتی بود، به‌ویژه برای تخصیص آب آمودریا و نشان می‌داد که کشورهای پایین دست برای امنیت آب خود اولویت قائل هستند و نیاز به هماهنگی رسمی میان کشورها دارند.

۱. توافق نامه آلماتی نخستین سند رسمی بود که کشورهای آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی امضا کردند تا درباره نحوه استفاده و مدیریت مشترک منابع آب فرامرزی به‌ویژه رودخانه‌های آمودریا و سیردریا به تفاهم برسند.

۲. رود آمودریا طولانی‌ترین رودخانه فرامرزی در آسیای مرکزی است؛ از سرچشمه‌های تیان‌شان و پامیر سرچشمه می‌گیرد حدود ۳۹ درصد در قلمرو افغانستان جریان دارد در حالی که ۶۱ درصد از رودخانه در کشورهای دیگر جریان دارد (Salehie & ed,2022:2).

۳. Nukus Declaration

**آثار احداث کانال قوش تپه بر کشورهای پایین دست رودخانه آمود دریا.** آب آمودریا حدود ۸۰ درصد از کل منابع آبی منطقه را تشکیل می‌دهد. کانال قوش تپه سالانه حداقل ۱۰ میلیارد مترمکعب آب از آمودریا منحرف می‌کند که حدود ۲۰ درصد از جریان کلی رودخانه را منحرف می‌کند. این میزان بسیار بیشتر از برآورد اولیه یعنی ۲.۱ میلیارد مترمکعب در سال است. محصولات کشاورزی آبیاری شده با آب آمودریا حدود ۱۷ درصد از تولید ناخالص داخلی ازبکستان و ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی ترکمنستان را تشکیل می‌دهند. (Ozat,2023) در این در حالی است که در برخی از مطالعات برآورد شده است ۲۰ تا ۳۰ درصد جریان آب رودخانه آمودریا ممکن است با احداث کانال قوش تپه منحرف شود (Fayzieva,2025). برخی تحلیل‌ها می‌گویند ممکن است آب دریافتی از آمودریا برای ازبکستان تا ۱۵٪ و برای ترکمنستان تا ۸۰ درصد کاسته شود (Jalolova,2025). هرچند تاجیکستان بالادست است، اما انحراف آب در افغانستان می‌تواند تعادل هیدرولوژیکی کل حوضه را مختل کند تشدید بیابان‌زایی و بدتر شدن وضعیت دریاچه آرال، اکوسیستم مرزی تاجیکستان-افغانستان را مختل می‌نماید. در مجموع، احداث کانال قوش تپه برای تاجیکستان بیشتر تأثیرات ژئوپلیتیک و اجتماعی دارد.

جدول ۲. برداشت سه کشور آسیای مرکزی از منابع آب رودخانه آمودریا در سال ۲۰۲۴

| ماه     | ازبکستان(درصد) | ترکمنستان(درصد) | تاجیکستان(درصد) | مجموع(میلیون متر مکعب) |
|---------|----------------|-----------------|-----------------|------------------------|
| ژانویه  | ۳۶             | ۴۱              | ۲۳              | ۱/۵۹۰/۵                |
| فوریه   | ۴۲             | ۴۴              | ۱۴              | ۲/۳۰۴/۷                |
| مارس    | ۴۵             | ۴۷              | ۸               | ۴/۲۴۶/۹                |
| آوریل   | ۲۰             | ۴۷              | ۲۳              | ۳/۶۷۰/۵                |
| مه      | ۳۷             | ۴۰              | ۲۳              | ۴/۸۹۴/۲                |
| ژوئن    | ۴۲             | ۳۸              | ۲۰              | ۶/۳۰۵/۲                |
| ژوئیه   | ۴۳             | ۳۹              | ۱۸              | ۷/۵۸۳/۲                |
| اوت     | ۴۲             | ۳۹              | ۱۹              | ۷/۰۱۵/۱                |
| سپتامبر | ۳۶             | ۴۴              | ۲۰              | ۵/۰۱۶/۳                |

|        |    |    |    |         |
|--------|----|----|----|---------|
| اکتبر  | ۳۰ | ۴۲ | ۲۸ | ۲/۸۷۱/۶ |
| نوامبر | ۳۶ | ۴۰ | ۲۴ | ۱/۷۲۱/۰ |
| دسامبر | ۴۷ | ۳۵ | ۱۸ | ۱/۶۳۶/۰ |

منبع: Interstate Commission for Water Coordination of Central Asia

دما در آسیای مرکزی سریع‌تر از میانگین جهانی در حال افزایش است که یخچال‌ها را در ۵۰ سال گذشته تقریباً ۳۰٪ کوچک کرده است. این امر احتمالاً جریان رودخانه‌ها را کاهش می‌دهد و ریسک‌هایی برای کشاورزی و امنیت غذایی در منطقه ایجاد می‌کند. سیاست‌های آبی کشورهای آسیای مرکزی توسط کشاورزی و تأمین آب آبیاری برای زمین‌های آبیاری هدایت می‌شود: ۷۹٪ از آب مصرفی در منطقه به آبیاری اختصاص می‌یابد (Vinokurov, 2023: 16).

نمودار ۲. میزان آب استفاده شده در بخش کشاورزی کشورهای آسیای مرکزی



Source: EDB estimates based on data from FAOSTAT.

بر اساس جدول ترسیم شده نزدیک به ۷۹ درصد از آب در کشورهای آسیای مرکزی در بخش کشاورزی استفاده میشود که قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان و ترکمنستان بترتیب بیشترین میزان استفاده از آب در بخش کشاورزی را دارند. از سوی دیگر احداث کانال قوش تپه در شمال افغانستان، با برداشت قابل توجه آب از رودخانه آمودریا، فشار شدیدی بر منابع آبی کشورهای پایین دست مانند ازبکستان و ترکمنستان وارد کرده است و سبب کاهش میزان آب قابل استفاده برای کشاورزی شده است. این کمبود آب موجب شورشدگی خاک و کاهش بهره‌وری محصولات زراعی، به‌ویژه گندم و پنبه، شده و کشاورزان را مجبور به کاهش سطح زیرکشت یا تغییر الگوی کشت کرده است تا با محدودیت منابع آب مقابله کنند. پیامدهای این شرایط نه‌تنها امنیت غذایی و اشتغال روستایی را تهدید می‌کند، بلکه فشار اقتصادی و اجتماعی در این مناطق را افزایش داده است.

در کنار نگرانی‌ها کشورهای آسیای مرکزی از احداث کانال قوش تپه که منجر با پایین آمدن میزان دبی آب رودخانه آمودریا می‌شود آثار زیان‌بار زیست‌محیطی این کانال نیز بر نگرانی‌ها افزوده است. کارشناسان بین‌المللی در مورد روش‌های منسوخ ساخت کانال و تلاش‌های طالبان برای به حداقل رساندن هزینه اجرای پروژه با حفر خندق با بیل مکانیکی بدون پوشش کانال<sup>۱</sup> بسیار نگران هستند. کانال‌های بدون پوشش نه‌تنها آب شیرین را از طریق نفوذ به خاک شور هدر می‌دهند، بلکه باعث شور شدن زمین‌های کشاورزی نیز می‌شوند، زیرا وقتی کانال پر از آب شود، سطح آب‌های زیرزمینی بالا می‌رود و نمک‌های خاک به سطح آورده می‌شوند. همچنین این نگرانی وجود دارد که راه اندازی کانال باعث افزایش شوری خاک شود و اجرای بیشتر مجتمع کشاورزی-صنعتی توسط افغان‌ها باعث تخریب مناطق وسیعی از زمین و افزایش میزان آب شور در مناطق سفالی آمودریا شود. (Kuchins, ed, 2024: 29-30) همچنین جریان آمو دریا حامل رسوبات سنگینی است بدون انجام پروژه براساس روش‌های نوین، کانال در طی ۱۰ تا ۱۵ سال ۵۰ درصد از ظرفیت خودش را از دست خواهد داد<sup>۲</sup>. (Faqiryar, 2024: 31)

### ۳. اهداف احداث کانال قوش تپه

**کسب و نمایش مشروعیت داخلی.** طالبان در اوت ۲۰۲۱ به قدرت بازگشتند، اما هیچ‌یک از ابزارهای سنتی مشروعیت سیاسی — یعنی انتخابات دموکراتیک،

<sup>۱</sup> براساس نظر کارشناسان کانال بدون لایه محافظ باعث هدر رفتن ۱۵ تا ۲۲ درصد از آب خواهد شد.

<sup>۲</sup> میانگین رسوب سالانه: ۱۲۰ میلیون تن و هزینه لایروبی سالانه بالغ بر ۱۵ تا ۲۰ میلیون دلار است.

به رسمیت‌شناسی بین‌المللی یا حمایت گسترده مردمی از طریق احزاب سیاسی — را در اختیار ندارند. در عوض، این گروه استراتژی مشروعیت مبتنی بر کارآمدی اجرایی را اتخاذ کرده است. این نوع مشروعیت، نه بر ایدئولوژی صرف، بلکه بر توانایی واقعی در ارائه خدمات عمومی، امنیت، ثبات اداری و پروژه‌های زیرساختی ملموس استوار است (Vereycken, 2024). این نوع مشروعیت از طریق کنترل امنیت، ثبات اداری، ارائه خدمات عمومی و اجرای پروژه‌های بزرگ زیرساختی مانند کانال قوش تپه ساخته می‌شود. طالبان با انجام چنین پروژه‌هایی می‌کوشند تصویر یک دولت توانمند و منسجم ارائه دهند و از این طریق حمایت نسبی مردم در مناطق روستایی را جلب کنند تا از این طریق پایگاه اجتماعی خود را تثبیت کنند و ادعاهای حکومت‌داری‌شان را مشروع جلوه دهند.

کانال قوش تپه صرفاً یک طرح آبیاری نیست؛ یک بیانیه سیاسی است، اعلامیه‌ای که طالبان می‌توانند حکومت کنند، بسازند و ملت را تغذیه کنند بدون حامی خارجی. برخلاف دولت پیشین که به فساد گسترده در پروژه‌های زیرساختی (مانند سد کجکی) متهم بود، طالبان با مدیریت متمرکز و بدون واسطه، کانال را پیش می‌برند. طالبان تأکید دارند که کل بودجه پروژه (۶۸۴ میلیون دلار) از منابع داخلی (عمدتاً درآمد معادن زغال‌سنگ و مالیات‌های محلی) تأمین شده است. این ادعا — حتی اگر اغراق‌آمیز باشد — پیامی مستقیم به مردم و جهان است (Vereycken, 2024, 9).

**اهداف اقتصادی.** کانال قوش تپه فراتر از یک پروژه صرفاً آبیاری، به‌عنوان محور راهبرد اقتصادی دولت طالبان در نظر گرفته می‌شود؛ طرحی که هدف آن بازسازی بنیان‌های اقتصاد ملی از طریق تقویت خودکفایی غذایی، ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی، و کاهش وابستگی ساختاری کشور به کمک‌های خارجی است. این پروژه، در نگاه مقامات حاکم، ابزاری برای جایگزینی تدریجی کشت مواد مخدر با فعالیت‌های قانونی و مولد در بخش کشاورزی محسوب می‌شود و می‌تواند زمینه‌ساز بازتوزیع جمعیت روستایی و احیای مناطق بایر شمال افغانستان باشد. در بُعد اقتصادی، اگر اجرای کانال با مدیریت علمی منابع آب، نظام‌های مدرن آبیاری و سیاست‌های حمایتی همراه شود، ظرفیت آن را دارد که تولید غلات به‌ویژه گندم را به طور چشمگیری افزایش دهد، امنیت غذایی افغانستان را بهبود بخشد و به کاهش واردات محصولات اساسی بینجامد. همچنین توسعه صنایع تبدیلی، انبارداری، و شبکه‌های حمل‌ونقل کشاورزی می‌تواند اشتغال‌زایی گسترده و پایدار ایجاد کند. بانک جهانی، در گزارش در سال ۲۰۲۵ منتشر شد، بخش کشاورزی را به‌عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی افغانستان برجسته می‌کند که ۳۶ درصد از تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد و منبع

کلیدی اشتغال و امنیت غذایی است. با این حال در این گزارش عنوان شده، بخش کشاورزی افغانستان به شدت آسیب‌پذیر به تغییرات اقلیمی، خشکسالی و درگیری‌ها است، که بهره‌وری را تهدید کرده و امنیت غذایی را مختل می‌کند. لذا «سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آبیاری، مانند کانال قوش تپه، بخشی از تلاش‌های دولت برای افزایش تولید کشاورزی و کاهش وابستگی به واردات است (Word Bank, 2025: 6-8)

با این حال، تحقق کامل اهداف اقتصادی پروژه به مجموعه‌ای از پیش‌شرط‌های فنی، سیاسی، حقوقی و زیست‌محیطی وابسته است. نخست، مدیریت پایدار منابع آب و طراحی مهندسی دقیق برای کاهش اتلاف ناشی از تبخیر، نشت و رسوب‌گذاری ضروری است. دوم، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین آبیاری و افزایش بهره‌وری آب باید در اولویت قرار گیرد تا میزان برداشت از آمودریا به حداقل لازم محدود شود. سوم، ایجاد سازوکارهای حقوقی و دیپلماتیک جهت همکاری منطقه‌ای با کشورهای پایین‌دست — به‌ویژه ازبکستان و ترکمنستان — اهمیت حیاتی دارد، زیرا تداوم پروژه بدون هماهنگی فرامرزی می‌تواند تنش‌های سیاسی و اقتصادی را در حوزه آسیای مرکزی تشدید کند. در بُعد زیست‌محیطی نیز، تداوم پروژه بدون ارزیابی‌های دقیق اثرات اکولوژیک می‌تواند پیامدهایی همچون شورشدگی و فرسایش خاک، تخریب زیست‌بوم‌های محلی، و کاهش کیفیت منابع آبی زیرزمینی به همراه داشته باشد. از این منظر، موفقیت کانال قوش تپه تنها در گرو اجرای فیزیکی آن نیست، بلکه به توانایی نظام مدیریتی افغانستان در ایجاد توازن میان توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست بستگی دارد.

**اهداف ژئوپلیتیکی.** همان‌طور که پیش‌از این ذکر شد، افغانستان در هیچ‌کدام از توافق‌نامه‌های مربوط به استفاده از رودخانه آمودریا حضور نداشت در حالی که ۱۲ درصد از مسیر رود از خاک آن می‌گذرد و برطبق حقوق بین‌الملل حق برابر برای استفاده از آب آمودریا دارد. بر این اساس طالبان با انحراف سالانه ۱۰ تا ۱۳ میلیارد مترمکعب آب، مدعی بازپس‌گیری سهم تاریخی افغانستان از آمودریا است. این پروژه افغانستان را از حاشیه به مرکز هیدروپلیتیک آسیای مرکزی منتقل می‌کند و طالبان را به‌عنوان یک بازیگر مستقل منطقه‌ای معرفی می‌نماید. به عبارتی قره‌تپه افغانستان را از یک گدای آب به یک دلال آب تبدیل می‌کند، کشوری که می‌تواند یک منبع حیاتی را بدهد یا ننگه دارد (Crosslin, 2025: 48).

**جلب مشروعیت بین‌المللی و دیپلماسی منطقه‌ای.** کانال قوش تپه به طور غیرمنتظره یک مسیر دیپلماتیک برای طالبان ایجاد کرده است. در حالی که دولت‌های غربی سیاست عدم

به رسمیت‌شناسی را حفظ می‌کنند، کشورهای منطقه — به‌ویژه ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان — به دلیل ماهیت فرامرزی آمودریا مجبور به تعامل با کابل شده‌اند. این تعامل، هرچند به شکل فنی باشد، وزن سیاسی قابل توجهی دارد: تعامل با رژیم طالبان را عادی‌سازی می‌کند و مشروعیت واقعی آن را ارتقا می‌دهد. کانال قوش‌تپه به‌عنوان یک نقطه ورود دیپلماتیک برای طالبان عمل می‌کند. با نمایش ظرفیت حکومتی و کنترل بر یک منبع فرامرزی، این پروژه کشورهای منطقه را وادار می‌کند تا با کابل تعامل کنند — نه به‌عنوان یک دولت شکست‌خورده، بلکه به‌عنوان یک دولت کارآمد. قوش‌تپه جهان را وادار کرده تا با طالبان صحبت کند — نه درباره حقوق بشر یا ایدئولوژی، بلکه درباره آب، تجارت و بقا. این دیپلماسی عمل‌گرایانه ممکن است به رسمیت‌شناسی رسمی اعطا نکند، اما مشروعیت عملی را به همراه دارد — نوعی که در آسیای مرکزی اهمیت دارد (Crosslin, 2025: 52-56).

در مجموع، کانال قوش‌تپه نه تنها یک پروژه زیرساختی مهم برای افغانستان است، بلکه به‌عنوان ابزاری ژئوپلیتیکی در دست طالبان برای تقویت موقعیت داخلی و منطقه‌ای خود عمل می‌کند. کانال قوش‌تپه افغانستان را از حاشیه به مرکز هیدروپلیتیک آسیای مرکزی منتقل می‌کند و طالبان را به‌عنوان بازیگری مستقل، کارآمد و مذاکره‌پذیر معرفی می‌نماید. از سوی دیگر طالبان با احداث کانال قوش‌تپه از آن به‌عنوان ابزار چانه‌زنی در منطقه استفاده کرده و درصد جایگاه خود را در معادلات منطقه ارتقاء دهد.

#### ۴. نهادهای بین‌المللی و کانال قوش‌تپه

نهادهای و سازمان‌های بین‌المللی در ارزیابی‌های خود درباره پروژه کانال قوش‌تپه عمدتاً بر ضرورت پایبندی به اصول حقوق بین‌الملل آب، از جمله استفاده منصفانه، معقول و بدون ایجاد آسیب قابل توجه به کشورهای پایین دست تأکید کرده‌اند. این سازمان‌ها بر لزوم انجام مطالعات جامع هیدرولوژیک، زیست محیطی و اجتماعی پیش از اجرای پروژه تأکید نموده و خواستار انتشار شفاف اطلاعات مربوط به پیامدهای احتمالی آن بر جریان آب رودخانه و امنیت آبی منطقه شده‌اند. علاوه بر این، برخی گزارش‌های بین‌المللی بر اهمیت گفت‌وگوی سازنده میان افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی و تشکیل سازوکارهای مشترک مدیریت آب برای جلوگیری از افزایش تنش‌ها تأکید می‌کنند. در همین راستا، نهادهای بین‌المللی با تأکید بر لزوم رعایت استانداردهای جهانی حکمرانی آب، بر ضرورت مشورت‌پذیری، شفافیت

و مشارکت فعال کشورهای ذی‌نفع در تمامی مراحل برنامه‌ریزی و اجرای کانال قوش تپه تأکید دارند از جمله این نهادها و سازمان‌های بین‌المللی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: بانک جهانی پروژه قوش تپه را به‌عنوان یک واقعیت در حال اجرا می‌پذیرد، اما هیچ حمایت مالی یا تأیید رسمی از آن ندارد. در گزارش بانک جهانی به نگرانی مقامات ازبکستان در مورد تأثیر منفی ساخت کانال بر منابع آب این کشور اشاره کرده و آن را عاملی برای تشدید کمبود آب پایین دست (مانند ازبکستان) می‌داند. بانک جهانی تأکید می‌کند که مدیریت مشترک آب منطقه‌ای و استفاده پایدار از منابع آبی برای کاهش تنش‌ها حیاتی است (World Bank, 2024:11).

گزارش سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد<sup>۱</sup> تأکید می‌کند انحراف حجم قابل توجهی از آب آمودریا (برآورد شده تا ۱۰ میلیارد مترمکعب در سال) می‌تواند جریان آب به کشورهای پایین دست (ازبکستان و ترکمنستان) را کاهش دهد و بر سیستم‌های کشاورزی و معیشت‌های وابسته به این رودخانه تأثیر منفی بگذارد. در این گزارش آمده است افغانستان باید در مکانیسم‌های همکاری منطقه‌ای آب مانند کمیسیون هماهنگی آب بین‌دولتی و چارچوب‌های مدیریت یکپارچه منابع آب گنجانده شود. این سازمان پیشنهاد می‌کند که مطالعات مشترک تأثیرگذاری فرامرزی و مذاکرات فنی با کشورهای همسایه برای تخصیص عادلانه آب انجام شود (FAO, 2023).

بانک توسعه اوراسیایی در گزارش خود پیش‌بینی می‌کند که با تکمیل کانال قوش تپه در افغانستان، جریان رودخانه آمودریا تا سال ۲۰۲۸ به میزان ۱۰ میلیارد متر مکعب در سال کاهش یابد. این کاهش جریان آب، همراه با تغییرات اقلیمی و افزایش مصرف آب، منجر به کسری مزمن آب در منطقه خواهد شد. بانک توسعه اوراسیا عملاً توصیه می‌کند که پروژه کانال قوش تپه تنها در صورت رعایت استانداردهای فنی، مدیریت پایدار منابع آب، و همکاری منطقه‌ای می‌تواند مفید باشد و در غیر این صورت ممکن است کسری آب و تنش‌های منطقه‌ای را تشدید کند (Vinokurov et al, 2023).

**گزارش (WPS)<sup>۲</sup>** در این گزارش تأکید شده است عدم ظرفیت فنی طالبان و انزوای بین‌المللی، پروژه‌هایی مانند قوش تپه را به منبع تنش تبدیل کرده؛ انحراف ۱۰-۱۳ میلیارد

<sup>۱</sup>. FAO

<sup>۲</sup>. گزارش Water, Peace and Security یک ابتکار عمل بین‌المللی است که هدف آن پیش‌بینی، پیشگیری و کاهش تنش‌ها و درگیری‌های مرتبط با آب در مناطق آسیب‌پذیر جهان است.

مترمکعب آب آمو می‌تواند کیفیت آب را کاهش دهد و بر ازبکستان و ترکمنستان تأثیر بگذارد که منجر به بی‌ثباتی منطقه‌ای می‌شود؛ همکاری بیشتر برای صلح ضروری است. در این گزارش ایجاد چارچوب‌های همکاری فرامرزی؛ حمایت از دیپلماسی برای جلوگیری از تشدید درگیری‌ها، به‌ویژه با توجه به تغییرات اقلیمی پیشنهاد شده است (Faizee & Schmeier, 2023:4-16).

در گزارش‌های نهادهای بین‌المللی توصیه اصلی، گنجانیدن افغانستان در چارچوب‌های کمیسیون بین‌دولتی هماهنگی منابع آب آسیای مرکزی و مدیریت یکپارچه منابع آب مطالعات مشترک تأثیر فرامرزی و به‌کارگیری فناوری‌های آبیاری کارآمد است. در کل، پروژه بدون دیپلماسی و رویکرد مشارکتی، از فرصت به تهدید منطقه‌ای تبدیل می‌شود.

### نتیجه‌گیری

آسیای مرکزی نمونه‌ای بارز از منطقه‌ای است که در آن آب فراتر از یک منبع طبیعی، به منبعی استراتژیک و ژئوپلیتیکی تبدیل شده و نحوه مدیریت آن می‌تواند منجر به همکاری یا تقابل میان کشورها شود. تحلیل هیدروپلیتیک رودخانه‌های مشترک افغانستان و آسیای مرکزی نشان می‌دهد که سیاست‌های آبی تحت حکمرانی طالبان، در چارچوب مفاهیم بنیادین هیدروپلیتیک از جمله قدرت هیدروپلیتیک، وابستگی جغرافیایی، تعاملات بین‌دولتی و رژیم‌های نهادی قابل تبیین است. در این چارچوب، افغانستان به‌عنوان کشور بالادست، با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی خود و عدم تعهد به رژیم‌های الزام‌آور آبی، سعی در افزایش اهرم‌های فشار و کسب منافع راهبردی از طریق پروژه‌هایی چون کانال قوش‌تپه دارد. این در حالی است که کشورهای پایین‌دست آسیای مرکزی – به‌ویژه ازبکستان و تاجیکستان – که به‌شدت به جریان رودخانه‌ها وابسته‌اند، در وضعیت آسیب‌پذیر هیدروپلیتیکی قرار گرفته‌اند. نظریه هیدروپلیتیک بر این فرض استوار است که توزیع قدرت، رژیم‌های حقوقی، و سطح همکاری یا منازعه میان کشورها بر سر آب، تابعی از ساختارهای سیاسی، میزان شفافیت، و ظرفیت‌های نهادی است.

حکمرانی طالبان که فاقد مشروعیت بین‌المللی، ساختارهای مدیریتی شفاف، و پایبندی به مکانیسم‌های چندجانبه است، موجب افزایش بی‌اعتمادی و شکنندگی روابط آبی با کشورهای همسایه شده و احتمال تعمیق منازعه را افزایش داده است. با این حال، نظریه هیدروپلیتیک تأکید می‌کند که حتی در شرایط نابرابر قدرت، امکان شکل‌گیری رژیم‌های همکاری بر پایه منافع مشترک وجود دارد. از سوی دیگر حکومت طالبان که هنوز از

مشروعیت بین‌المللی برخوردار نیست و توسط کشورهای منطقه علی‌رغم روابط سیاسی و اقتصادی به طور رسمی به رسمیت شناخته نشده از آب برای اعمال فشار بر سایر دولت‌ها برای چانه‌زنی برای رسمیت بخشیدن به حکومت خود استفاده می‌کند. در کنار موارد مورد اشاره نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که استمرار وضعیت موجود بدون چارچوب‌های نهادی منسجم و توافقات حقوقی میان‌دولتی، زمینه‌ساز تشدید منازعه بر سر منابع آب خواهد بود. در مقابل، تلاش برای احیای دیپلماسی آب، استفاده از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان همکاری شانگهای یا کمیسیون‌های آب مشترک، و پذیرش واقعیت‌های هیدروپلیتیکی جدید، می‌تواند بستر ساز همکاری در مدیریت منابع مشترک باشد. آینده امنیت آبی در منطقه در گرو توانایی بازیگران برای ترجمه تهدیدهای بالقوه به فرصت‌های همکاری و اجماع هیدروپلیتیک است. در آسیای مرکزی، همکاری در حوضه‌های آمودریا باید بر مدیریت یکپارچه منابع آب، تخصیص عادلانه آب و کاهش تنش‌های بالادست-پایین دست تمرکز کند. پروژه‌های بزرگ مانند سدهای برق آبی یا احداث کانال‌هایی آبی در بالادست باید با مطالعات تأثیرگذاری فرامرزی و جبران خسارت به پایین دست همراه باشد. به‌طور کلی مدیریت پایدار آب فرامرزی نیازمند تلفیق رویکردهای فنی، دیپلماتیک و نهادی است، از سوی دیگر تقویت نهادها، ساختارهای شفاف اطلاع‌رسانی و سازوکارهای منافع مشترک بهترین راهکارها برای پیشگیری از تشدید تنش‌اند. امنیت آب هنگامی معنا و کارکرد پایدار می‌یابد که از چارچوب صرفاً دولتی و امنیتی فراتر رفته و ابعاد انسانی، اجتماعی و زیست‌محیطی آن در تصمیم‌سازی‌ها لحاظ شود؛ بی‌توجهی به این ابعاد می‌تواند همکاری‌های منطقه‌ای را شکننده سازد.

## منابع و مأخذ

### فارسی

مختاری هشی، حسین، کاویانی راد. مراد (۱۳۹۸) پردازش مفهوم هیدروپلیتیک، نشریه آب و توسعه پایدار، سال ۶، شماره ۲.

### لاتین

Allan, J. A. (2001). **The Middle East Water Question: Hydropolitics and the Global Economy**. London & New York: I. B. Tauris

- Boelens, R. A. (2014). Cultural Politics and the Hydrosocial Cycle: Water, Power and Identity in the Andean Highlands. **Geoforum**, 57 .
- Clark, M. (2024). Central Asia Faces a Potential Water Shortage As Afghanistan's Canal Project Nears Completion. **Jamestown Foundation**.  
<https://jamestown.org/program/central-asia-faces-potential-water-shortage-as-afghanistans-canal-project-nears-completion/>
- Crosslin, E. L. (2025). **Monitoring the Qosh Tapa Canal Project: A Geospatial Timeline of Taliban Water Diversion** [Honors thesis, University of South Dakota]. USD RED. <https://red.library.usd.edu/honors-thesis/384/>
- Earle, A., Jägerskog, A., & Öjendal, J. (2010). **Transboundary Water Management: Principles and Practice**. London, UK: Earthscan for Stockholm International Water Institute (SIWI).
- Elhance, A. P. (1999). **Hydropolitics in the Third World: Conflict and Cooperation in International River Basins**. US Institute of Peace Press.
- Faqiryar, Jalal Naser(2024) Food-Climatic Nexus in the North River Basin of Afghanistan: A Case Study of the Qosh Tapa National Irrigation Canal, **SOAR Open Access** . <https://nbn-resolving.org/urn:nbn:de:0168-ssoar-94367-8>
- Faizee. Mohd, Schmeier. Susanne(2023) **Navigating Water (In)Security in Taliban's Afghanistan , Report Water**, Peace and Security  
<https://waterpeacesecurity.org/files/380>
- Fayzieva. Kamila(2025) Afghanistan's Qosh Tapa canal and the paradox of Central Asian Water Politics. **The Diplomat** ,<https://thediplomat.com/2025/09/afghanistans-qosh-tepa-canal-and-the-paradox-of-central-asian-water-politics/>
- Interstate Commission for Water Coordination of Central Asia (ICWC). (n.d.). **Water Management Situation in the Amu Darya Basin**. [http://www.icwcc-aral.uz/reports\\_amudarya.htm](http://www.icwcc-aral.uz/reports_amudarya.htm)
- Jalolova.Sadokat (2025) Qosh Tapa Canal Sparks Concerns in Central Asia ,**The Times of Central Asia** , [https://timesca.com/afghanistans-qosh-tepa-canal-sparks-water-security-concerns-in-central-asia/?utm\\_source=chatgpt.com](https://timesca.com/afghanistans-qosh-tepa-canal-sparks-water-security-concerns-in-central-asia/?utm_source=chatgpt.com)
- Kuchins. Andrew et al (2024) **Afghanistan's Qoshtepa Canal and Water Security in Central Asia, Center for the National Interest**. Center for the National Interest. [https://www.cawater-info.net/afghanistan/pdf/qoshtepa\\_canal\\_and\\_water\\_security.pdf](https://www.cawater-info.net/afghanistan/pdf/qoshtepa_canal_and_water_security.pdf)
- Keohane, R. O., & Nye, J. S. (1989). **Power and Interdependence: World Politics in Transition** (2nd ed.). Glenview, IL: Scott, Foresman.
- Mirumachi, N. (2015). **Transboundary Water Politics in the Developing World**. Routledge (Earthscan).
- Ozat, Meray(2025), Afghanistan's Canal Project Threatens Central Asian Water Security ,**Caspian Policy Center**,[https://www.caspianpolicy.org/research/energy-and-economy-program-eeep/afghanistans-canal-project-threatens-central-asian-water-security?utm\\_source=chatgpt.com](https://www.caspianpolicy.org/research/energy-and-economy-program-eeep/afghanistans-canal-project-threatens-central-asian-water-security?utm_source=chatgpt.com)
- Salehie, O, Ismail, T. b., Shahid, S., Hamed, M. M., Chinnasamy, P., & Wang, X. (2022). Assessment of Water Resources Availability in Amu Darya River Basin Using GRACE Data. **Water**, 14(4).
- Turton, A. R., & Henwood, R. (2002). Hydropolitics: The authoritative Allocation of Values in Society with Respect to Water. **Water Resources Development Journal**, 18(2)

- Turton, Anthony(2003), *The Hydropolitical Dynamics of Cooperation in Southern Africa: A Strategic Perspective on Institutional Development in International River Basins*, **African Water Issues Research Unit (AWIRU)**.  
[https://sadc-la.org/sadcreports/MAN55d%20manualokavangoChapter\\_4.pdf?utm\\_source=chatgpt.com](https://sadc-la.org/sadcreports/MAN55d%20manualokavangoChapter_4.pdf?utm_source=chatgpt.com)
- United Nations Environment Programme; GRID-Arendal; Zoi Environment Network. (2011). *Environment and Security in the Amu Darya Basin*. ENVSEC / UNEP. <https://wedocs.unep.org/20.500.11822/7517>
- Vereycken, Karel (2024). Afghanistan: The Qosh Tapa Canal and Prospects for Water Management in the Aral Sea Basin. **Artkarel.com**.  
[https://www.academia.edu/113828893/Afghanistan\\_the\\_Qosh\\_Tapa\\_canal\\_and\\_prospects\\_for\\_water\\_management\\_in\\_the\\_Aral\\_Sea\\_basin](https://www.academia.edu/113828893/Afghanistan_the_Qosh_Tapa_canal_and_prospects_for_water_management_in_the_Aral_Sea_basin)
- Vinokurov, E. (ed) (2023) **Efficient Irrigation and Water Conservation in Central Asia**. Reports and Working Papers 23/4. Almaty: Eurasian Development Bank, [https://eabr.org/upload/iblock/632/EDB\\_2023\\_Report-4\\_Irrigation\\_eng.pdf?utm\\_source=chatgpt.com](https://eabr.org/upload/iblock/632/EDB_2023_Report-4_Irrigation_eng.pdf?utm_source=chatgpt.com)
- Waterbury, J. (1979). **Hydropolitics of the Nile Valley**. Syracuse University Press.
- Woldemariam, M. (2023). "The Political Geography of Water Conflict: Transboundary Water Governance in Central Asia. **Journal of Peacebuilding & Development**, 18(1)
- Wolf, A. T. (1995). **Hydropolitics Along the Jordan River: Scarce Water and Its Impact on the Arab–Israeli Conflict**. Tokyo & New York: United Nations University Press
- World Bank. (2024), **A Blueprint for Resilience: Charting a Course for Water Security in Europe and Central Asia**.  
<https://documents1.worldbank.org/curated/en/099120424173017419/pdf/P170030-be9b56b1-fd34-40a6-821b-5190340120f8.pdf>
- World Bank (2024) , **Central Asia Water and Energy Program** ,  
<https://documents1.worldbank.org/curated/en/099746310292415198/pdf/IDU-a1a38767-7689-4aee-90be-01ace53921a1.pdf>
- World Bank. (2025). **Afghanistan Development Update: April 2025**. Washington, DC: World Bank. Retrieved from  
<https://thedocs.worldbank.org/en/doc/777eab7b5ab9802aa3535f1e73fa1456-0310012025/original/Afghanistan-Development-Update-April-2025.pdf>
- Zeitoun, M., & Warner, J. (2006). Hydro-Hegemony: A Framework for Analysis of Trans-Boundary Water Conflicts. **Water Policy**, 8(5)
- Zoi Environment Network. (2018). **Amu Darya Basin: Water, Climate, Energy and Food**. **Zoi Environment Network**, Geneva. Available at:  
<https://zoinet.org/wp-content/uploads/2018/02/AmuDarya-EN-Web.pdf>.